

# حقوق اهل بیت علیهم السلام بر مردم (از منظر زیارت‌نامه‌ها)

حافظ نجفی<sup>۱</sup>

## چکیده

پیامبر اکرم علی‌الله و خاندان مکرم ایشان در جایگاه راهنمایان بشر، منشاً خدمات زیادی برای مردم بودند و نه تنها مسلمانان، بلکه عموم مردم از برکات وجودی آن هدایت‌گران آسمانی بهره برده‌اند. این مقاله، که به روش «توصیفی - تحلیلی» نگارش یافته، موضوع حقوق پیامبر علی‌الله و اهل بیت اطهار علی‌الله از منظر زیارت‌نامه‌ها را بحث و بررسی کرده و به این سؤال پاسخ داده است که آن بزرگواران چه حقی بر مردم دارند؟ و مردم چگونه می‌توانند وظیفه خود را در این زمینه انجام دهند؟ بررسی منابع روایی و زیارت‌نامه‌های مؤثر، نشان می‌دهد که مردم مکلف به شناخت منزلت و جایگاه اهل بیت طاهرین علی‌الله هستند و لازمه دین‌داری یک مسلمان پیروی صادقانه از پیامبر علی‌الله و خاندان مطهر ایشان علی‌الله همراه با تکریم و بزرگداشت آنان است. لازم است مردم با یاری رسانیدن به دین، محبت قلبی خود را به این انسان‌های شایسته ابراز دارند و از دشمنان آنها بیزاری جویند.

## واژگان کلیدی:

حقوق، اهل بیت علی‌الله، مردم، زیارت‌نامه

۱. عضو گروه «اخلاق و اسرار» پژوهشکده حج و زیارت.

## مقدّمه

رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> و خاندان مطهر ایشان، هچون خورشید فروزان، زندگی تاریک بشر را روشنایی بخشیدند. آنان با سخنان حکیمانه خود، ضمن تشریح آیات قرآن و معارف الهی، معرفت مردم را بالا بردنده از گمراحتی عقیدتی و مفاسد اخلاقی و اجتماعی نجاتشان دادند. خاندان عصمت و طهارت<sup>علیهم السلام</sup>، همچون پدری مهربان و دلسوز، سنگ صبور مردم در همه مشکلات بودند و گرفتاری‌ها ایشان را برطرف ساختند. چه بسا آنها نان شب خود را به فقیران و دردمدان می‌بخشیدند و خودشان با گرسنگی، شب را به صبح می‌رسانیدند. پیامبر و خاندان پاکش ما را با نور ایمان و معنویت و اخلاق و رفتار سنجیده تربیت کردند و اینک باید ببینیم در مقابل این‌همه ایثار و فداکاری، که اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> از خود نشان دادند، چه حقوقی بر مردم دارند؟ و وظیفه مردم در سپاس‌گزاری از آنان چیست؟

در روایات بسیاری که از پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> و ائمّه اطهار<sup>علیهم السلام</sup> به ما رسیده، بر حقوق اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و ضرورت پاسداشت آن توسط مردم تأکید شده است. بنابر برخی از زیارت‌نامه‌ها و روایاتی که در بیان جایگاه رفیع اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> وارد شده، مردم باید خود را در برابر اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> مسئول بدانند و برای ادائی وظیفه در این زمینه مهیّا باشند. از پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است:

أَنَا أَوَّلُ وَأَفِيدُ عَلَى الْعَزِيزِ الْجَبَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكِتَابُهُ وَأَهْلُ بَيْتِي، ثُمَّ أُمَّتِي، ثُمَّ أَسَالُهُمْ:

مَا فَعَلْتُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِي؟ (کلینی، ج ۲، ص ۶۰۰)

من اولین کسی هستم که در روز قیامت وارد محضر پروردگار می‌شوم، سپس قرآن و خاندانم وارد می‌شوند و پس از آن امت من وارد می‌شوند. آنگاه من از امّتم می‌پرسم که با کتاب خدا و اهل بیت من چه کردید؟

این سخن پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> هشداری است جدی برای یکایک پیروان آن حضرت! و نشان می‌دهد که حق اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> بسیار خطیر است و مردم باید برای ادائی حقشان مهیّا باشند. در خصوص بزرگی حق اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و مسئولیت سنگین مردم درباره آن، فرازی از دعای روز عید غدیر گویاست. در دعایی که بعد از نماز روز غدیر خوانده می‌شود به محضر

## پروردگار عرض می کنیم:

...يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاءْنِ، أَنْ أَتَمْمَتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكِ بِمُوَالَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمَسْئُولِ  
عَنْهُمْ عِبَادُكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup> وَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ:  
وَ قَفُوْهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ»<sup>۲</sup> (ابن طاووس، ج ۲، ص ۲۸۶).

ای خدایی که هر روز در کار (آفرینش) هستی، تو را سپاس می گوییم که  
نعمت را به سبب ولایت پذیری از اولیایت، بر ما تمام کردی. (اولیایت کسانی  
هستند) که بندگان درباره آنها سؤال خواهند شد؛ زیرا تو گفتی: «آنگاه شما  
در آن روز از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد». و فرمودی: «آنان را نگه دارید که  
حتماً مورد بازپرسی قرار می گیرند».

با توجه به اهمیت این بحث، تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه تبیین حقوق اهل بیت علیہ السلام  
نوشته شده است؛ از جمله: کتاب حقوق اهل بیت علیہ السلام و وظایف ما، جواد محدثی. مقالاتی نیز  
در این زمینه نگاشته شده است؛ مانند:

«حقوق اهل بیت علیہ السلام از نظر قرآن و حدیث»، آیه‌الله سبحانی؛ (نشریه دانشکده الهیات و  
معارف‌السلامی، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۷۶ش) «مهم‌ترین حقوق اهل بیت علیہ السلام، مجله موعود  
(سال ۱۳۹۲ش ۱۳۷ و ۱۳۸)؛ «دیدگاه امام رضا علیہ السلام درباره حقوق اهل بیت علیہ السلام و وظایف  
مردم در قبال امامان»، محمدرضا جواهری (نشریه فرهنگ رضوی، سال اول، بهار ۱۳۹۲،  
شماره ۱)؛ «حقوق اهل بیت علیہ السلام عبدالحکیم سلیمی؛ (مجله معرفت، سال ۱۳۸۵، شماره ۱۰۶)؛  
«حقوق اهل بیت علیہ السلام در قرآن»، پایگاه تخصصی قرآن کریم (؟). (مرکز جهانی اطلاع‌رسانی  
اهل بیت علیہ السلام)

اما در خصوص حقوق اهل بیت علیہ السلام از منظر زیارت‌نامه‌ها اثر علمی یافت نشد. این در  
حالی است که متون زیارت‌نامه‌های معصومان علیهم السلام حاوی بسیاری از معارف دینی، به ویژه بیانگر

۱. تکاثر: ۸

۲. صافات: ۲۴

جايگاه اجتماعی ا بيت عصمت و طهارت ﷺ است و از آن رو که اهل بيت ﷺ ولی نعمت مردم و واسطهٔ فيض پروردگارند و در زيارتنامه‌ها بسياري از حقوق ايشان مطرح گردیده، ضرورت دارد اين موضوع بررسى شود. اما آن حقوق چيست؟ و پيروان اهل بيت ﷺ چه وظايفي در خصوص اهل بيت ﷺ دارند؟ اين مقاله در صدد است با استفاده از رهنماوهای قرآن و آموزه‌های اهل بيت ﷺ و مطابق با آنچه در زيارتنامه‌ها وارد شده به برخى از آنها پاسخ دهد.

## ۱. شناخت مقام اهل بيت ﷺ

گام اول در جهت ادای حقوق اهل بيت ﷺ شناخت شخصيت و جايگاه و منزلت آن بزرگواران است. روایاتي در منابع شيعه و سني به چشم می خورد که بر اهميت معرفت اهل بيت ﷺ تاکيد کرده است. در برخى روایات، پذيرش عبادت انسان، به معرفت اهل بيت ﷺ منوط شده است و در صورت نبود اين شناخت، عبادت انسان بى ارزش می شود، هر چند در ارز تريين بخش مسجدالحرام انجام شود. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

إِنَّ أَفْضَلَ الْبِقَاعَ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْأَسْوَدِ وَالْمَقَامِ... وَاللهُ لَوْ أَنَّ عَيْنَدَاً صَفَّ قَدَمَهِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَقَامَ اللَّيْلَ مُصَلِّيَا حَتَّى يَجِيءَ النَّهَارُ وَصَامَ النَّهَارَ حَتَّى يَجِيءَ اللَّيْلُ وَلَمْ يَعْرِفْ حَقَّنَا وَحُرْمَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً أَبْدَأْ؟ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۲۳)،

با فضيلت تريين مكان‌ها ميان ركن حجر الاسود و مقام ابراهيم است... به خدا قسم، اگر کسی (مدت مدیدی) آنجاروی پاها به نماز بaisتد و شب‌ها در حال عبادت به صبح بياورد و روزها را روزه بگيرد؛ اما حق و حرمت ما اهل بيت را نشناسد خداوند هرگز چيزی از عبادت‌های وي را نمی‌پذيرد.

در زمينه زيارت اهل بيت عصمت و طهارت ﷺ نيز رهنماوه ايشان آن است که زيارت در صورتی دارای ارزش است و زائر را به اهداف معنوی اش می‌رساند که برخاسته از معرفت باشد و با شناخت مقام آن امام معصوم یا امام‌زاده انجام شود.

صالح بن عقبه از بشیر دهان روایت کرده است: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: چه بسا پیش می‌آید که حج از من فوت می‌شود و برای انجام وظیفه، در جوار قبر حسین علیه السلام مراسم عرفه را بجا می‌آورم (آیا مأجور هستم؟) امام فرمود: ای بشیر، هر مؤمنی که با معرفت به حق حسین علیه السلام در غیر روز عید به کنار قبر او بباید ثواب بیست حج و بیست عمره مقبول و بیست جنگ در رکاب پیامبری مرسلا یا امام عادل در نامه عملش نوشته می‌شود، و کسی که در روز عید بباید ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول و هزار جنگ در رکاب پیامبری مرسلا یا امام عادل در نامه عملش نوشته می‌شود. راوی گفت: چگونه چنین مقامی نصیب من می‌شود؟! امام فرمود:

يَا بَشِيرُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - يَوْمَ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ فَاغْتَسَلَ بِالْفَرَاتِ  
ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ بِمَنَاسِكِهَا...؛ (شیخ صدوق،  
۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۸۰ نیز ر. ک: کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۸۱ / ابن قولویه،  
۱۳۵۶ق، ص ۱۳۸))

ای بشیر، اگر مؤمن در روز عرفه آهنگ قبر حسین علیه السلام بنماید در حالی که بحق او عارف باشد، در فرات غسل کند و به زیارت او روی آورد، خدای عز و جل در برابر هر گام، برای او در نامه عملش حجی با مناسکش می‌نویسد.

به سبب اهمیت و ضرورت شناخت مقام اهل بیت علیه السلام، همواره یکی از خواسته‌ها در ادعیه، معرفت آنان بوده است. در فرازی از زیارت «جامعه کبیره» می‌خوانیم:

... فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ  
بِحَقِّهِمْ...؛ (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۷)

پروردگار!! به آن حقی که برای اهل بیت علیه السلام بر خود واجب نموده‌ای، از تو درخواست می‌کنم مرا در زمرة حق شناسان اهل بیت و ادا کنندگان حق شان قرار دهی...

شاید فلسفه این همه تأکید نسبت به شناخت اهل بیت علیه السلام برای برخی روشن نباشد و موجب ابهام و سؤال شود. خوشبختانه ائمه اطهار علیهم السلام از این معما رمزگشایی کرده‌اند و -

چنان‌که اشاره می‌شود – برخی از اسرار معرفت اهل بیت علیهم السلام را بیان کرده‌اند:

### الف) معرفت دینی

شناخت اهل بیت علیهم السلام یکی از معارف دینی ما محسوب می‌شود و خاندان عصمت علیهم السلام آن را عامل مهمی در جهت انجام وظیفه پیروان و شیعیان در تکریم مقام خویش دانسته و بدان دعوت نموده‌اند. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه **﴿ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ الْعَيْمِ﴾** (تکاثر: ۸) فرمودند:

فالله تعالى أَكْرَمٌ مِّنْ أَنْ يُطْعِمَكُمْ طَعَاماً فَيَسْأَلُكُمْ عَنْ نِعْمَةِ  
الله عَلَيْكُمْ بِنَا، هَلْ عَرَفْتُمُوهَا وَ قُمْتُمْ بِحَقَّهَا؟ (ابن حیون، ج ۲، ص ۱۳۸۵)

شأن خداوند برتر از آن است که طعامی به شما ارزانی بدارد و سپس از شما درباره آن پرسد، لیکن شما از نعمتی باز خواست خواهد شد که خداوند توسط ما به شما ارزانی داشته است که آیا آن را شناختید و به ادای حقش قیام کردید؟ از این‌رو، بر موضوع معرفت اهل بیت علیهم السلام در زیارت‌نامه‌ها تأکید شده و باور داشتن به مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام و حق بودن مرامشان جزئی از ایمان به شمار آمده است.

در زیارت رسول خدا علیه السلام عرضه می‌داریم:

بِأَبِي أَنَّتِ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللهِ زُرْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُقِرًّا بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالِهِ مَنْ  
خَالَفَكَ وَ خَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ عَارِفًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ...؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۶،  
ج ۲، ص ۶۰۵)

پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا! تو را زیارت کردم، درحالی که حق تو را می‌شناسم و به فضیلت تو اعتراف دارم و به گمراهی کسی که با تو و خاندان‌ت مخالفت کند بینا هستم و به آن (راه) هدایتی که تو بر آن هستی آشنایم.

و در زیارت امام علی علیه السلام نیز می‌خوانیم:

بِأَبِي أَنَّتِ وَ أُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَعْزَّائِي وَ أَهْلِي وَ أَحِبَّائِي، أُشْهِدُ اللهَ رَبِّي وَ رَبَّ  
كُلِّ شَيْءٍ، ... مُوَالٍ لِأَوْلَائِكَ، مُعَادٍ لِأَعْدَائِكَ، عَارِفٌ بِحَقِّكَ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكَ...؛ (ابن

پدر و مادرم و عزیزانم و خانواده‌ام و دوستانم فدای تو باد ای امیر المؤمنین!  
خداوند - پروردگار خودم و پروردگار همه موجودات - را گواه می‌گیرم...  
که من دوستدار دوستانت و دشمن دشمنانت هستم و حق تو را می‌شناسم و به  
فضیلت تو اعتراف دارم.

### ب) عامل سعادت

معرفت به مقام اهل بیت علیهم السلام عامل سعادت انسان‌هاست. اگر کسی بخواهد همه خوبی‌ها به زندگی اش آورده و به همه ارزش‌ها دست یابد مطمئن‌ترین راه، شناخت مقام اهل بیت علیهم السلام است. در روایتی، امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتيَ حَيْرَةً كَثِيرًا» (بقره: ۲۶۹) فرمودند: منظور از «خیر کثیر» پیروی از امام و شناخت اوست؛ «طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ». (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۸۵)

### ج) وسیله هدایت

شناخت جایگاه و منزلت خاندان عصمت و طهارت وسیله هدایت انسان‌هاست. بر اساس سخن معصومان علیهم السلام تنها کسی هدایت یافته است که مقام امام را شناخته باشد. اما آن که منزلت امام را نمی‌شناسد، مانند کسی است که در تاریکی سختی که راه خروج ندارد قرار گرفته است: «وَالَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا». (همانجا).

### د) عامل کمال

پرسش پروردگار، که یکی از عوامل کمال بندگان خداست، شرایطی دارد که بر اساس سخن امام صادق علیه السلام یکی از آنها شناخت اهل بیت علیهم السلام و پیروی از رهنمودهای آنان است. ایشان فرمودند: «نَحْنُ وُلَاءُ أَمْرِ اللَّهِ...»؛ اولیای امر خداوند ما هستیم. «وَبِنَا عَبْدَ اللَّهِ وَلَوْلَا نَا مَا عُرِفَ اللَّهُ...» و بهوسیله ما خداود پرسش می‌شود. اگر ما نبودیم خداود شناخته نمی‌شد. (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۲) با این وصف عقیده به امام - در حقیقت - عقیده به خود دین است. نمی‌شود کسی بدون عقیده به امام دیندار باشد. از امام موسی بن جعفر علیهم السلام در ذیل آیه

کریمه ﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِاللَّهِ﴾ (تین: ۷) نقل شده است: منظور از «دین»، ولایت امام است.  
(کوفی، ۱۴۱۰، ص ۵۷۹)

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمایند: «الدِّينُ عَلَيْ»؛ (همان، ۱۴۱۰، ص ۵۷۷) دین  
معنی علی علیه السلام.

### ه) ارتباط محکم با قرآن

ائمّه اهل بیت علیهم السلام رابطه وثيق و نزدیک با قرآن دارند. اگر آن وجودهای نورانی نبودند حقایق قرآن برای همیشه مکتوم می‌ماند. بنابراین، شناخت اهل بیت علیهم السلام گامی مهم برای فهم حقایق پیچیده قرآن است.

امام محمد باقر علیه السلام از پدر بزرگوارش امام سجاد علیه السلام نقل کرد که آن حضرت فرمودند:  
از ما خاندان جز معصوم، شخص دیگری نمی‌تواند امام باشد. شخصی عرض کرد: معنای «معصوم» چیست؟ فرمود:

هُوَ الْمُعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ حَبْلُ اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقُانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ (صدقوق،  
۱۳۶۱، ص ۱۳۳) معصوم کسی است که به ریسمان الهی چنگ می‌زند و ریسمان الهی همان قرآن است و آن دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی‌گردند.

این فرموده خداوند است که: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلّٰهِي أَقْوَمُ﴾؛ (اسراء: ۹)  
قطعًا این قرآن مردم را به راستترین و استوارترین راه هدایت می‌کند.

## ۲. دوستی اهل بیت علیهم السلام و برائت از دشمنان آنها

بر اساس آیه شریفه ﴿... قُلْ لَا أَسْتَكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى...﴾ (شوری: ۲۳)، یکی از حقوق مهم پیامبر اکرم علیهم السلام و خاندان مطهر ایشان آن است که مردم نسبت به آنان محبت بورزند. محبت اهل بیت علیهم السلام را از چند زاویه می‌توان موضوع بحث قرار داد:

الف) وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۸، ص ۹۳/ ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱،

ص ۶۸/ صدقوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۳)

بر پایه روایات و به گفته مفسران (طبری، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۳ / زمخشری، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۰)، آیه مزبور بر وجوب موّدّت اهل بیت علیهم السلام به عنوان پاداش رسالت پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلّم دلالت می‌کند. سیوطی در ذیل آیه یاد شده روایتی را از پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلّم آورده مبنی بر اینکه مراد آیه این است که حق مرا در امل بیتم حفظ کنید. (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۷)

فخر رازی در تفسیر کبیر خود، ابتدا چند حدیث از زمخشری در ذیل آیه **﴿قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا...﴾** (شوری: ۲۳) نقل کرده، پس آورده است: پس ثابت شد که این چهار تن (علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام) خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلّم هستند و وقتی این معنا ثابت شد، واجب می‌شود که فقط این چهار تن را دارای مزیّت و عظمت بدانیم. سپس چند دلیل برای وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام اقامه کرده است؛ از جمله:

اول. در روایات قبل گذشت که آل محمد علیهم السلام کسانی هستند که برگشت امرشان به اوست. پس کسانی که ارتباطشان محکم‌تر و کامل‌تر باشد «آل» محسوب می‌شوند و شکی نیست که فاطمه و علی و حسن و حسین علیهم السلام مترین پیوند را با رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلّم داشتند و این از مسلمات و مستفاد از احادیث متواتر است. بنابراین، لازم است که آنها را «آل پیامبر» بدانیم.

دوم. شکی نیست که پیامبر خدا صلی الله علیہ و آله و سلّم فاطمه علیها السلام را دوست می‌داشت و درباره‌اش فرمود: «فاطِمَةٌ بَضَعَةٌ مِّنِي يُؤْذِنِي مَا يُؤْذِنِها»؛ فاطمه پاره تن من است. آنچه او را آزار دهد مرا آزار دهد! و با احادیث متواتر از رسول خدا صلی الله علیہ و آله و سلّم ثابت شده که او علی و حسن و حسین علیهم السلام را دوست می‌داشت. هنگامی که این معنا ثابت شود محبت آنها بر تمام امت واجب است؛ چون خداوند فرموده است: **﴿وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾**؛ (اعراف: ۱۵۸) از او پیروی کنید تا هدایت شوید. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۵۹۶)

لزوم محبت اهل بیت پیامبر صلی الله علیہ و آله و سلّم و برایت از دشمنانشان موضوعی اعتقادی است که در زیارت‌نامه‌ها نیز بسیار بر آن تأکید شده است. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

- «**وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ...**»؛ (صدقوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۶)

و برای شمامت محبتی که به ما واجب شده است.

- فَبَشِّنِي اللَّهُ أَبْدًا مَا حَيَتُ عَلَى مُواالِاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَقَنِي لِطَاعَتِكُمْ وَرَزَقِني شَفَاعَتِكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ...؛ (همان، ص ۶۱۵)

از خدا می خواهم تا زنده هستم مرا در راه محبت شما و دین شما ثابت قدم نگه دارد و در پیروی از شما موفق گرداند و شفاعت شما را نصیم کند و مرا از بهترین دوستان شما به شمار آورد.

- مُوَالٍ لَكُمْ وَلَأَوْلِيائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ...؛ (همان، ص ۶۱۴)

دوست شما و دوستانان هستم و نسبت به دشمنان شما کینه و عداوت دارم. من در صلح و سازش با کسانی که با شما سازش دارند و در جنگ هستم با کسانی که با شما سر جنگ دارند.

ما با این جملات به اهل بیت پیامبر ﷺ عرض می کیم: محور اساسی در اعتقاد دینی و پیوندهای اجتماعی و سیاسی ما، شما اهل بیت ﷺ هستید. معیار حب و بغض ما و جنگ و آشتی ما با دیگران شما خاندان پاک پیامبر ﷺ هستید.

از بخش دوم جمله مزبور روشن می شود که محبت دو بخش مثبت و منفی دارد. کسی که دوستدار ائمه اطهار ﷺ است باید از دشمنانشان هم بیزاری جوید.

حاصل اینکه مذهب تشیع، که به اعتقاد شیعه امامیه تنها راه تقریب به خدا و تنها وسیله نیل به سعادت جاودانه است، مبنی بر دو رکن اساسی تولا و تبر است که یکی بدون دیگری در روز جزا نجات بخشن خواهد بود.

از این رو، در بسیاری از زیارت‌نامه‌ها، از جمله «جامعه کبیره»، برایت از دشمنان یک اصل مهم اعتقادی تلقی شده است:

وَبَرَئْتُ إِلَى اللَّهِ -عَزَّ وَجَلَّ- مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالْطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمُ الْجَارِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَائِيَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمُ الشَّاكِنَ فِيْكُمُ الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنَ الْأَنْمَاءِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ... (صدق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۵-۶۱۶)

و بیزاری جستم به سوی خداوند - عزوجل - از دشمنان شما و به ویره از جبتو طاغوت و شیطانها و وابستگان آنها که به شما ستم و حق شما را انکار کردند و از دژولایت شما خارج شدند و حق شما را ستاندند و از شما دوری گزیدند. و از کسی که محرم اسرار غیر شما باشد و اطاعت گیرد و از امامانی که مردم را به سوی آتش می خوانند.

نتیجه اینکه ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام یک رکن اعتقادی شیعیان به شمار آمده و آنان با این رفتار خود، به درخواست پیامبر علیهم السلام، پاسخ مثبت داده‌اند.

حضرت امام رضا علیه السلام در جواب مأمون در مهای به وی لزوم محبت به اهل بیت علیهم السلام و بیزاری از دشمنان را چکیده معارف دین بر شمردند:

وَحُبُّ أُولِيَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَاجِبٌ وَكَذَلِكَ بُغْضُ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَالْبَرَاءَةُ مِنْهُمْ وَمِنْ أَئِمَّتِهِمْ...؛ (همان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۶) دوستی اولیای خدا واجب است؛

همچنین دشمنی با دشمنان خدا و بیزاری جستن از آنها و از امامان و پیشوایان آنان.

خداوند می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾؛ (مریم: ۹۶)

مسلمانی کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.

در شأن نزول این آیه روایت شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: وَلَا يَأْتِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ هِيَ الْوُدُّ الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...؛ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۴۳۱) ولایت امیر المؤمنین علیه السلام همان محبتی است که خداوند تعالی فرموده است.

## ب) اهمیت و ارزش محبت اهل بیت علیهم السلام

روایت‌های فراوانی مودت اهل بیت علیهم السلام را اساس اسلام دانسته و پذیرش اعمال به آن وابسته شده است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

**لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛** (برقی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۵۰) هر چیزی پایه‌ای دارد و پایه اسلام دوست داشتن ما بیت است.

در چند حدیث وارد شده که عبادت چندین هزار ساله در گرو محبت اهل بیت علیهم السلام است و گفته شده: کسی که با دوستی آل محمد علیهم السلام بمیرد به جایگاه شهیدان باریافت و با ایمان کامل از دنیا رفته است. اما آنان که با اهل بیت علیهم السلام دشمنی ورزند کیفرشان محرومیت از بهشت و نامیدی از رحمت الهی است. (حاکم، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۶۱؛ زمخشری، ی تا، ج ۴، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۱۲-۱۴۳)

چنان که گفته شد، ولایت اهل بیت علیهم السلام شرط دیانت ماست و عقیده توحیدی در صورتی کامل می‌گردد که همراه با پذیرش ولایت آنان باشد. از همین روی، در زیارت «جامعه کبیره» محبت اهل بیت علیهم السلام عامل قبولی اعمال شناخته شده است:

**وَبِمُؤْلَاتِكُمْ تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ...**؛ (صدقوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۱۵) با پذیرش ولایت شما اطاعت‌ها (اعمال واجب) پذیرفته می‌شود.

#### ج) ولایت اهل بیت علیهم السلام: مهم‌ترین پرسش روز قیامت

مرحوم صدقوق می‌گوید: از رسول خدا علیهم السلام درباره تفسیر آیه **﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُلُونَ﴾** صفات: (۲۴) نقل شده است که فرمودند:

إِنَّهُ لَا يُجَاوِرُ قَدَمًا عَبْدٌ حَتَّىٰ يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيِّنْ جَمَعَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ، وَعَنْ حُبْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ (صدقوق، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۱۸)

(در روز قیامت) بنده هنوز قدم از قدم بر نداشته از چهار چیز از او سؤال می‌شود: از جوانی که در چه راهی سپری کرده است. از عمرش که در چه راهی صرف کرد، از مالش که از کجا آورد و در چه صرف کرد و از دوستی ما اهل بیت.

#### د) محبت اهل بیت علیهم السلام: عامل استقامت در برابر دشمنان

دشمنان اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ اسلام هر قدر توانستند نسبت به شیعیان و محبّان

ا مل بیت علیه السلام سخت‌گیری کردند و هر جا قدرت داشتند شیعیان را کشتنند. هم‌ترین عاملی که شیعه را در برابر هجمه‌های دشمنان نگه داشته عشق به ا مل بیت علیه السلام بوده است. این عنصر معنوی موجب شده است در میان دوستداران اهل بیت علیه السلام، به ویژه دوستان امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسانی پرورش یابند که در برابر دشمنان استقامت‌های حیرت‌انگیزی از خود نشان دهند.

اصبح بـ نباته می‌گوید: نزد امیرالمؤمنین علی بن ا طالب علیه السلام بودم که ایشان قضاوت کرد. گروهی وارد شدند و فردی را که دست بسته بود نزد ایشان آوردند و گفتند: او دزدی کرده است: حضرت فرمود آیا دزدی کرده‌ای؟ گفت: بلی. حضرت چند بار دیگر با تأکید بیشتر از او سؤال کردند و او اعتراف کرد. دستور دادند دست او قطع شود. وی از محکمه بیرون آمد، در حالی که قطرات خون از دست بریده‌اش می‌چکید و می‌رفت. ابن کواء (از خوارج که دشمنی شدیدی با امیرالمؤمنین علیه السلام داشت) بین راه به او برخورد کرد و او را به این حال دید و خواست از این ماجرا به نفع حزب خودش و به ضرر امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده کند. با قیافه‌ای تر حمّ آمیز جلو رفت و گفت: چه کسی دست را برید و تو را به این حال درآورد؟ آن مرد با اینکه دستش بریده شده بود، اما چون علی علیه السلام را در اجرای حد، مُحق می‌دانست و حبّ علی را در دل داشت، با کمال صفا و صداقت، برای به خاک مالیدن بینی دشمن علی علیه السلام شروع به مدح آن حضرت کرد و گفت:

قطعَ يَمِينِي سَيِّدُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرْبِ الْمُحَجَّلِينَ وَ أُولَى النَّاسِ بِالْيَقِينِ سَيِّدُ الْوَصِيَّينَ  
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام إِمامُ الْهُدَى وَ زَوْجُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَبْنَةِ مُحَمَّدٍ  
الْمُصْطَفَى أَبُو الْحَسَنِ الْمُعْتَبَى وَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْمُرْتَضَى السَّابِقُ إِلَيْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ...

(ابن شاذان قمی، ص ۱۷۳ و طبری، ص ۱۵۶)

«دست مرا کسی بریده که سرور مؤمنان و پیشوای روپیدان روز جزا و اولی به تصرف در شئون زندگی مردم، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، امام هدایت، همسر فاطمه زهرا (دختر محمد مصطفی علیهم السلام) و پدر حسن برگزیده و حسین

پسندیده علیه السلام است و به سوی باغ‌های بهشت از همگان سبقت گرفته است.

ابن کوّاء گفت: عجب! او دستت را بریده و تو این چنین مدحش می‌کنی؟ مرد گفت:  
چگونه مدحش نکنم، و حال آنکه محبت او با گوشت و خونم درآمیخته است؟! به خدا  
سوگند، او دستم را برای اجرای حکم خدا، که قانون عدل الهی است، برید.

بیست سال پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، حاکم سفّاك کوفه میشم تمّار را دستگیر کرد  
و گفت: از علی علیه السلام اظهار برائت کن. او گفت: جانم قربان امیرالمؤمنین باد! دستور داد دارش  
زدند. اما او از بالای دار هم فریاد می‌زد: ای مردم، بیایید از زبان من مدح علی بشنوید! مردم  
پای چوبه دار او جمع شدند. سرانجام، لجام بر دهانش و نیزه بر پهلویش زدند تا بالای دار  
جان داد. (قمی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۵۲۴ (مثم))

ابن سکیت یکی دیگر از محبّان حضرت علی علیه السلام است که دویست سال پس از شهادت  
امیرالمؤمنین علیه السلام و در زمان متولّ عباسی می‌زیست. او ادیب و دانشمندی برجسته بود.  
متولّ او را به عنوان معلم فرزندان خویش انتخاب کرد. روزی متولّ فرزندانش را، که  
شاگرد این سکیت بودند، امتحان کرد و دید خوب آموزش دیده‌اند. ابن سکیت را خواست و  
از او تشکّر کرد. چون قبلًاً از بعضی درباریانش شنیده بود که او شیعه و از دوستداران امام  
امیرالمؤمنین علیه السلام است و باورش نشده بود، خواست او را امتحان کند. پرسید: این دو فرزند من  
نزد تو محبوب‌ترند یا حسن و حسین، فرزندان علی؟ ابن سکیت تا این جمله را شنید، چنان  
دگرگون شد و خونش به جوش آمد که نتوانست از اظهار عقیده خودداری کند؛ با کمال قوّت  
قلب و صلابت روح گفت: به خدا قسم! قنبر، غلام علی علیه السلام، نزد من از اینها محبوب‌تر است؛  
هم از خودشان و هم از پدرشان. متولّ از این جواب محکم چنان عصیانی شد که دستور داد  
همان‌جا زبانش را از پشت گردنش بیرون کشیدند و او را به شهادت رسانیدند. (همان، ج ۱،  
ص ۶۳۶. الکنی و الالقب، ج ۱، ص ۳۰۳)

#### ه) محبت اهل بیت علیه السلام عامل قرب به خداوند

بیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان مطهرش آشنای کوی الهی هستند. اگر کسی بخواهد معرفتی نسبت به

پروردگار پیدا کند و هوای قرب الهی در سر می‌پروراند باید از در خانه اهل بیت علیهم السلام آغاز کند. علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه **﴿إِنَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾** (مائده: ۳۵)، می‌نویسد: معنایش این است که «تقرّبوا إِلَيْهِ بِالإِيمَام»؛ به وسیله امام به ساحت مقدس پروردگار راه پیدا کنید. (قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۸)

در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ أَنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفي هَذَا وَآيَامَ حَيَاةِي بِالْبَرَائَهِ مِنْهُمْ  
وَاللَّعْنَةُ عَلَيْهِمْ وَبِالْمُوَالَةِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ (طوسی، ۱۴۱۱،  
ج ۲، ص ۷۷۵ ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۴۸۳) پروردگار، در این روز و در  
این جایگاه و در همه ایام زندگی ام، به وسیله بیزاری از دشمنان اهل بیت و با  
ولایت پذیری پیامبر و آل بیت طاهرینش به ساحت مقدس تو تقرّب می‌جویم.

### ۳. تکریم و احترام

یکی از حقوق پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام نسبت به جامعه از دیدگاه قرآن، لزوم احترام به اهل بیت علیهم السلام و گرامی داشتن آنان است.<sup>۱</sup> بر اساس رهنمود قرآن، تکریم پیامبر و احترام به شخصیت آن حضرت از عوامل رستگاری،<sup>۲</sup> و آزار و اذیت آنان از عوامل دوری از رحمت خداوند است.<sup>۳</sup>

۱ **﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِيدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا لِئُمُّونُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَ تَعَزَّرُوهُ وَ تُؤْكِرُوهُ وَ تُسْبِحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا﴾** (فتح: ۸-۹)  
به یقین ما تو را گواه (بر اعمال آنها) و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید، و خدا را صبح و شام تسییح گویید.

۲ **﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ إِتَّبَعُوا أَنْثُورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾** (أعراف: ۱۵۷) پس کسانی که به او ایمان آورند، و حمایت و یاری اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارند.

۳ **﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنْهُمُ اللَّهُ فِي الْأَنْتِيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا﴾** (أحزاب: ۵۷) آنها که خدا و پیامبرش را آزار می‌دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برایشان عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده است.

روش‌های زیادی برای تکریم می‌توان ذکر کرد. در آیات قرآن کریم به برخی از مصاديق

تکریم پیامبر ﷺ اشاره شده است:

برابر دستور خداوند در قرآن، نباید مردم جلوتر از خدا و رسول برای کاری تصمیم بگیرند و حرکت نمایند (حجرات: ۱) و جایز نیست مردم در حضور پیامبر ﷺ صدای خود را بلند کنند و باید در صدا زدن پیامبر ﷺ احترام ایشان را نگه دارند و در سخنان خود نسبت به ایشان از واژه‌های محترمانه استفاده کنند میان آن حضرت و مردم فرق قابل شوند. (حجرات: ۲ و ۳) به علت رعایت نشدن این نکات در صدر اسلام، قرآن کریم برخی از مردم را نکوهش کرده است. گاهی آنان از پشت دیوارها با صدای بلند پیامبر ﷺ را خطاب می‌کردند. (حجرات: ۴) و یا بدون هماهنگی وارد خانه پیامبر ﷺ می‌شدند یا در منزل ایشان زیاده‌گویی می‌کردند. (احزاب: ۵۳) همان‌گونه که تکریم پیامبر ﷺ در قرآن واجب شده، پیامبر اکرم ﷺ نیز احترام به اهل بیت ﷺ را به عنوان یک حق واجب بر مردم بیان داشته‌اند.

امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: روزی رسول خدا ﷺ به انس فرمودند: «سَيِّدُ الْعَرَبِ يَعْنِي عَلِيًّا بْنَ أَبِي طَالِبٍ» را صدا بزن پیش من بیاید. عایشه گفت: ای رسول خدا، مگر شما خودتان سید عرب نیستید؟ حضرت فرمودند: «أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ»؛ من آقای فرزندان آدم هستم و علی بن ابی طالب سید عرب است. و تی علی بن ابی طالب علیه السلام به محضر ایشان وارد شدند، پیامبر خدا ﷺ انصار را خبر کردند. آنان همگی نزد حضرت جمع شدند. ایشان خطاب به آنان فرمودند:

مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ! أَلَا أَذْكُمْ عَلَيْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَحِبْوَهُ [فَأَحْبُّوْهُ] كَحُبِّي [لِحُبِّيْ وَأَكْرِمُوهُ كَإِكْرَامِيْ] وَ الزَّمُوْهُ كَالْزَامِيْ [لِكَرَامَتِيْ]...؛ (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۶۴) ای گروه انصار، آیا شما را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به آن چنگ بزنید هر گز گمراه نمی‌شوید؟ این علی بن ابی طالب است. او را دوست بدارید؛ همان‌گونه که مرا دوست می‌دارید؛ او را گرامی بدارید؛ همان‌گونه که مرا گرامی می‌دارید.

در ادامه حديث آمده است که پیامبر فرمودند:

با علی باشید؟ همان گونه که با من هستید. هر کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر کس مرا دوست بدارد خدا را دوست داشته است. هر کس خدا را دوست بدارد خداوند بهشت خود را نصیش فرماید و خنکای بخشش را به او می‌چشاند. هر کس او را دشمن بدارد مرا دشمن داشته است و هر کس با من دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر کس با خدا دشمنی نماید خداوند او را با صورت در آتش می‌افکند و عذاب دردناکش را به او می‌چشاند... (همانجا)

#### برخی از شیوه‌های تکریم اهل بیت ﷺ

برای تعظیم و تکریم اهل بیت ﷺ روش‌های زیادی وجود دارد. به چند نمونه بسنده کنیم:

#### الف - تکریم زبانی و رفتاری

یکی از راه‌های تکریم و ابراز محبت به اهل بیت ﷺ آن است که نام آن بزرگواران را با احترام بر زبان جاری کنیم و نام آنان را گرامی بداریم و هنگام ذکر نام امام زمان ﷺ از جا برخیزیم و دست بر سر نهیم. این سیره و روش خود ائمه معصوم ﷺ نیز بوده است که با شوق و احترام از پیامبر ﷺ و حضرت فاطمه زهرا ﷺ و اهل بیت ﷺ یاد می‌کردند و این شیوه را به مخاطبانشان می‌آموختند.

نقل شده است که رسول خدا ﷺ دست حضرت فاطمه زهرا ﷺ را می‌بوسیدند، به احترام ایشان از جا برمی‌تند، ایشان را در جای خودش می‌نشانیدند و می‌فرمودند: **فَدَاهَا أَبُوها؛** (صدق، ۱۴۰ق، ص ۲۳۴) پدرش به فدایش!

خداوند به شخصی به نام سکونی دختری عطا کرد. امام صادق علیه السلام پرسیدند: «او را چه نامیده‌ای؟» گفت: «فاطمه». امام فرمودند: «آه! آه». سپس دست بر پیشانی نهادند و به او توصیه کردند:

إِذَا سَمِّيَّهَا فَاطِمَةَ فَلَاتُسْبَّهَا وَ لَا تُنْعَنْهَا وَ لَا تُضْرِبُهَا؛ (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۲) حال که نامش را فاطمه نهاده‌ای به او ناسزا مگو و او را نفرین مکن و او را نزن!  
از امام صادق علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام پرسیدند که آیا او متولد شده است؟ حضرت فرمودند: «... لَا، وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمَتْهُ أَيَّامَ حَيَاةِي؛ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۴۵) نه، ولی اگر او را دریابم، در طول حیاتم خدمتگزار او خواهم بود.

### ب - زیارت حرم‌های مطهر

رابطه داشتن با اهل بیت علیهم السلام و زیارت مراقد مطهر آنان از راه‌های احترام و ابراز محبت به آنان است. زیارت عامل مؤثری برای ایجاد رابطه قلبی میان مؤمنان و اهل بیت علیهم السلام محسوب می‌گردد. از پیامبر گرامی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام روایات بسیاری در فضیلت و ثواب زیارت نقل شده است. امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام محمد باقر علیه السلام نقل کردند که فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي عِلْيَيْنَ»؛ (لمی بن موسی علیه السلام، بی‌تا، ص ۸۱) هر کس قبر حسین بن علی علیهم السلام را از روی معرفت زیارت کند، خداوند نام او را در علیین می‌نویسد.

### ج - صلوات و دعا

از جلوه‌های احترام و تکریم اهل بیت علیهم السلام دعا و صلوات است که موجب ترفع درجه می‌شود و در سوره احزاب به آن دستور داده شده است.  
 ﴿إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلِّونَ عَلَى الَّذِيْ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلَّمُوا تَسْلِيماً﴾؛ (احزان: ۵۶) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.

ابن فارس گفته است: «فَأَمَّا الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَالرَّحْمَةُ»؛ (ابن فارس، ج ۳، ص ۳۰۱)  
صلوات از سوی پروردگار، همان رحمت اوست که شامل حال پیامبر علیه السلام می‌شود.  
اما صلوات توسط بندگان، درخواست رحمت است. علاوه‌به طباطبائی می‌نویسد:

و قد استفاضت الروايات من طرق الشيعة و أهل السنة انّ طريق صلاة المؤمنين أن يسألوا الله تعالى أن يصلّي عليه و آله؛ (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۳۸) روايات از طریق شیعه و سنّی به حد استفاضه رسیده که صلوات مؤمنان بر پیامبر این گونه است که از خداوند برای پیامبر و آلس درخواست رحمت کنند.

به همین سبب، یکی از پر کاربردترین کلمات در زیارت‌نامه‌ها ابلاغ صلوات و سلام بر محمد و آل محمد ﷺ است.

در زیارت حضرت پیامبر ﷺ این جملات را می‌خوانیم:

اللَّهُمَّ فَاجْعِلْ صَلَواتِكَ وَصَلَواتِ مَلَائِكَتِكَ الْمَقْرَبِينَ وَ... عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ...؛ (کلینی، ۱۳۸۹ق، ج ۴، ص ۵۵۱)

بارالها، درودهای خود و فرشتگان مقربت را بر بند و فرستاده‌ات محمد ﷺ نثار کن!

در زیارت «جامعه کبیره» آمده است:

فَجَعَلْكُمْ فِي يُؤْتِ اذْنَ اللَّهُ اذْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرْ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَارَةً لِذُنُوبِنَا، إِذَا اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَاءِتِكُمْ...؛

(صدق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۳) شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن داد بلند مرتبه باشند و نام او در آن خانه‌ها برده شود و درود ما را بر شما وسیله ریزش رحمت بر ما و آمرزش گناهان ما قرار داد؛ زیرا خداوند شما را برای ما برگزید و آفرینش ما را پاکیزه قرار داد؛ به سبب آنکه ولایت شما را بر ما ارزانی داشت.

در زیارت امام علی علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ بِصَلَواتِكَ، وَاحْبُّ بِكَرَامَاتِكَ، وَوَفِّرْ بِرَحْمَاتِكَ، وَحَيِّ بِتَحْيَاتِكَ...؛

(ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۳۰۳) بارالها (با رحمت و درودهای خود) بر او درود فرست، والطف و برکات و سلام‌هایت را بر او فراوان گردان.

پیامبر اکرم ﷺ با هدف آموزش شیوه صحیح صلوات، در کنار نام خود، درود بر خاندان خویش را نیز لازم دانسته و صلوات بدون نام بردن از آنان را ناقص شمرده‌اند. در منابع شیعه

و سنّی نقل شده است: پس از نزول آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الَّذِي...﴾ (احزاب: ۵۶) مردی به پیامبر ﷺ عرضه داشت: سلام بر تو را می‌دانیم؛ اما صلوات بر آل تو چگونه است؟ پیامبر فرمودند: بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَ  
بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
مَجِيدٌ؛ (ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۰۷) خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛  
همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و بر محمد و آل محمد  
برکت بدء؛ همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم برکت دادی. به راستی که تو  
ستوده و دارای بخشش بی پایان هستی.

سیوطی افزوں بر این حدیث، هجدہ حدیث دیگر نقل کرده که همه دلت می‌کند بر  
اینکه هنگام صلوات بر پیامبر، صلوات بر آل محمد ﷺ نیز باید افزوده شود. (سیوطی، ۱۴۱۴،  
ج ۵، ص ۲۱۶)

در عموم رواهای امامان معصوم ﷺ درباره صلوات نیز درود بر اهل بیت پیامبر ﷺ در  
کنار درود بر ایشان به این صورت آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، گرچه گاه  
عبارتی در انتهای آن افزوده شده و گفته شده است چنین بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۰) خداوندا،  
بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی. همانا  
تو ستوده و بزرگ هستی.

در برخی روایات آمده است: فَحَقُّنَا عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يُصَلِّي عَلَيْنَا مَعَ الصَّلَاةِ فَرِيضَةً وَاجِبَةً مِنَ اللهِ...  
حق ما بر هر مسلمان این است که با هر نماز، به عنوان دستور خدایی بر ما صلوات بفرستد.

#### ۴. اطاعت از اهل بیت ﷺ

ا) لـ بـ اـ هـ دـ اـ دـ وـ مـ دـ اـ دـ بـ شـ رـ اـ بـ عـ هـ دـ اـ دـ وـ اـ هـ جـ هـ تـ بـ مرـ دـ  
حق دارند و شایسته تکریم و احترام هستند. یکی از راههای ادای حق اولیای خدا این است که

مردم در همه امور زندگی از فرامین آنها پیروی نمایند. قرآن کریم آنان را صاحبان امر (اولی الامر) و اطاعت از ایشان را واجب دانسته است. (نساء: ۵۹)

رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> برای خود و خاندانش نسبت به مردم حقوقی بالاتر از حق پدران صلبی قائل است و اطاعت از بیت<sup>علیه السلام</sup> را واجب تر از پدران مردم می‌داند. حضرت علی<sup>علیه السلام</sup>

فرمودند: از رسول خدا<sup>علیه السلام</sup> شنیدم که می‌فرمودند:

أَنَا وَعَلِيٌّ أَبُوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، وَلَحَقُّنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ أَبَوَيْ وَلَادَتِهِمْ، فَإِنَّا نُنْقِذُهُمْ إِنْ أَطَاعُونَا مِنَ النَّارِ إِلَيْ دَارِ الْقَرَارِ، وَنُلْحِقُهُمْ مِنَ الْعُبُودِيَّةِ بِخَيَارِ...؟ (حسن بن على، ۱۴۰۹، ص ۳۳۰)، من و علی پدران این امت هستیم و حق ما بر آنان بیش از حق پدرانشان است؛ زیرا ما آنان را (در صورتی که از ما پیروی نمایند) از آتش نجات داده، به محل آرامش می‌رسانیم و در بندگی خدا به خوبان ملحقشان می‌سازیم.

در ادامه روایت آمده است:

پس خوشابه حال کسی که به حق پیامبر و اهل بیت‌ش آشنا باشد و در همه حال، مطیع آنان باشد که در این صورت، خداوند او را از برترین اهل بهشت قرار می‌دهد و از او خشنود است و او را گرامی می‌دارد و وی را به سعادت و می‌رساند (همانجا).

یکی از محورهای مهم زیارت‌نامه‌ها ضرورت اطاعت از پیامبر<sup>علیه السلام</sup> و اهل بیت طاهرين<sup>علیه السلام</sup> است که در فرازهای زیارت‌نامه آن بزرگواران به چشم می‌خورد. در زیارت حضرت امام حسین<sup>علیه السلام</sup> خطاب به آن حضرت می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّ طَاعَتَكَ مُفْتَرَضَةً...»؛ (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۳۷۸) شهادت می‌دهم که اطاعت تو واجب است.

در زیارت «جامعه کبیره»، پیروی از بیت<sup>علیه السلام</sup> را به عنوان یک آرزوی معنوی از خداوند درخواست می‌کنیم:

فَتَبَّتَّتِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَيْتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَفَّقَتِي لِطَاعَتِكُمْ وَ

جَعْلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُ آثَارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتُكُمْ؛  
 (صدقه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۷) از خدا می خواهم مرا تازنده ام در راه موالات  
 شما و دین شما ثابت نگه دارد و توفيق اطاعت از فرمان شما را به من عنایت  
 نماید و مرا از کسانی قرار دهد که گام بر جای گام شما می گذارد و سرانجام با  
 شما محشور می گردد.

در خصوص ضرورت پیروی مردم از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ توجه به چند نکته ضروری است:

### الف) ویژگی های مثبت رهبران

یکی از عوامل موافقیت و پیشرفت یک ملت این است که رهبرانشان ویژگی های مثبتی داشته باشند تا مقبول عامه مردم گردند. ائمه اطهار ﷺ به علت تأیید الهی و داشتن مقام عصمت، همه امتیازات یک حاکم جامع الشرائط و مقبول عامه را دارند. بنابراین، مردم از عمق جان آنها را پذیرا هستند و اطاعت آنان را بر خود لازم می دانند. حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السلام درباره لزوم اطاعت از اوصیای پیامبر ﷺ پرسید. ایشان در پاسخ فرمودند:

نَعَمْ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾.<sup>۱</sup>  
 وَ هُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...﴾.<sup>۲</sup> (کلینی،  
 ۱۳۸۹ق، ج ۱، ص ۱۸۷)

آری، ایشان همان کسانی هستند که خدای تعالی می فرماید: «اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و والیان امر از خودتان را» (که مقصود از والیان امر، اوصیای پیامبر هستند) و ایشان همان کسانی هستند که خدای عز و جل فرموده است: «ولی شما فقط خدادست و رسولش و کسانی که ایمان آورده‌اند...».

۱. نساء: ۵۹

۲. مائدہ: ۵۵

## ب) نقش معنوی پیروی از رهبران

در اندیشه سیاسی شیعه، پیروی از امام‌الملین، گذشته از نقش سیاسی و اجتماعی، که موجب رشد و کمال فردی و گروهی است، دارای نقش معنوی نیز هست. این مهم‌ترین امتیاز حاکمیت اسلامی بر دیگر نظام‌های سیاسی دنیاست.

محمد بن فضیل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: بهترین وسیله تقریب بندگان به خدای عزوجل چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

أَنْصَلُ مَا يَنْقَرِبُ بِهِ الْعِبَادُ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طَاعَةُ اللَّهِ وَ طَاعَةُ رَسُولِهِ وَ طَاعَةُ أُولَئِكَ الْأَمْرِ؛ (کلینی، ج ۱، ص ۱۸۸)

اطاعت خدا و اطاعت رسول و اطاعت والیان امر است.

وقتی پیروی از قوانین و دستورالعمل‌های یک نظام سیاسی جایگاه اعتقادی و معنوی پیدا کند، مردم از عمق جان چنین نظامی را خواهند پذیرفت. در برخی از فرازهای زیارت‌نامه‌ها آمده است: شیعه راستین نه تنها از اهل بیت پیامبر علیه السلام پیروی می‌کند، بلکه اعلام می‌دارد که در همه امور زندگی و تصمیم‌گیری‌ها، زمام امر خود را به دست اهل بیت علیه السلام سپرده و تسليم بی‌چون و چرای آنان است. در زیارت کاظمین علیه السلام و نیز زیارتی که برای همه امامان علیهم السلام وارد شده آمده است:

أَشْهَدُ اللَّهَ أَنِّي مُسْلِمٌ لَكُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ مُفَوْضٌ فِي ذَلِكَ كُلُّهٗ إِلَيْكُمْ...؛ (ابن قولویه، ص ۳۰۳ و ۳۱۶)

خدا را گواه می‌گیرم که من تسليم شما هستم. در سازش با کسانی که با شما سازش کنند و در جنگ با آنان که با شما در جنگ هستند. به امور نهان و آشکار شما ایمان دارم و در همه این امور زمام اختیارم را به شما واگذار می‌کنم.

وقتی مردم معتقد باشند که امام فردی ممتاز است و همانند پیامبر از جانب خداوند برای هدایت آدمیان نصب گشته که هم عالم به تمام احکام و قوانین آسمانی و هم متصف به عصمت و مصون از هرگونه سهو و خطاست، اطمینان خواهند داشت که تسليم شدن بدون

چون و چرا در مقابل چنین رهبری، عین تحقیق و پیروی از عقل و اندیشه است و همه تصرفات چنین امامی به مصلحت است. پس لازمه چنین اعتقادی واگذاری نهان و آشکار و اول و آخر امور به مولی است و در این صورت، او را نسبت به جان و مال خود از خودشان سزاوار می‌دانند؛ چنان که خدای تعالی فرمود:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ﴾

مِنْ أَمْرِهِمْ﴾؛ (احزاب: ۳۶) هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و

پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد!

در زیارت «جامعه کبیره» هم می‌گوییم: «وَقَلْبِي لَكُمْ مُسْلِمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعُّ»؛ دلم تسلیم شما و نظرم پیرو نظر شماست. (صدقه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۳)

این جمله - در واقع - به معنای واگذاری امور و سپردن همه مایملک انسان به امام است؛

یعنی دلم عقد پیروی از شما را با خود بسته و نظری بر خلاف شما اختیار نمی‌کند و هیچ اختیاری جز اختیار شما ندارد: «مُحَقِّقُ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلُ لِمَا أَبْطَلْتُمْ»؛ حق می‌دانم هر چه را شما حق می‌دانید، و باطل می‌دانم هر چه را شما باطل می‌دانید. «مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ... أَخْذُ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ»؛ (همان، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۱۴) بر اساس معرفتی که به حق شما دارم، مطیع شما هستم؛ پذیرنده گفتار شما و عمل کننده به فرمان شما هستم. به محض اینکه فرمانی از شما بررسد، بدون چون و چرا خودم را موظف به اطاعت آن می‌دانم. این لازمه معرفت به حق امام است.

## ۵. یاری اهل بیت ﷺ

از هم‌ترین حقوق پیامبر ﷺ و خاندان مطهر ایشان ﷺ بر مردم، که در زیارت‌نامه ا مطرح شده، ضرورت یاری پیامبر ﷺ و اهل بیت طاهرین ایشان ﷺ است. مردم باید همواره برای ادای این حق مهیا بوده، اعلام آمادگی نمایند.

در زیارت «جامعه کبیره» ی خوانیم: «وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّة...»؛ و یاری ام برای شما مهیا است.

در زیارت حضرت علی علیہ السلام نیز آمده است: اللّٰهُمَّ أَنْتَ مَنْتَ عَلٰی بِزیارتِ مَوْلَایِ  
وَلَائِتِهِ وَمَعْرِفَتِهِ فَاجْعَلْنی مِمَّنْ تَنْصُرُهُ وَتَنْصُرُ بِهِ [يُتَصَرُّ بِهِ وَيُنَصَّرُهُ] وَمُنَّ عَلَیٰ  
بِنَصْرِکَ لِدِینِکَ فِی الدُّنْیَا وَالاَخِرَةِ...؟ (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۴۵)

بارالها، توبا ( توفیق دادن) زیارت مولايم (علی) و ولايتش و شناختش به من  
منّت نهادی پس مرا از کسانی قرار ده که او را ياري می کنند و از او کمک  
می گيرند. و در دنيا و آخرت برای توفيق ياري دينت بر من منّت بگذار.

شاید اين سؤال برای برخی مطرح باشد که پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم و خاندان مطهر ايشان صلوات الله عليه و آله و سلم با وجود امدادهای غبي و قدرت فوق العاده مادي و معنوی چه نيازي به ياري مردم داشتند؟  
جواب اين است که وقتی سخنان آن بزرگواران و تاريخ زندگی پیامبر اکرم صلوات الله عليه و آله و سلم و ائمه  
اطهار صلوات الله عليه و آله و سلم را ملاحظه می کنیم، ی بینیم که آنان همواره از مردم درخواست کمک می کردند.  
این درخواست‌ها را در چند عنوان می توان دسته‌بندی کرد:

### الف - احقيق حقوق اهل بيت صلوات الله عليه و آله و سلم

بخشی از استنصران اهل بيت صلوات الله عليه و آله و سلم از مردم مربوط به مباحث سیاسی، اجتماعی و احقيق حقوق  
اهل بيت صلوات الله عليه و آله و سلم است. در اين درخواست‌ها پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم و ائمه طاهرين صلوات الله عليه و آله و سلم از مردم می خواستند با  
آگاهی كامل، از حقوق اهل بيت صلوات الله عليه و آله و سلم دفاع کنند و به آنان ياري رسانند و آنها را در اجرای دين  
تنها نگذارند.

رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم در اين باره فرمودند: «أَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي وَشِيعَتَهُمْ وَأَنْصُرُوهُمْ...»؛ (طبری  
آملي، ۱۳۸۳ق، ص ۱۵۷) اهل بيتم و شيعيانشان را دوست بداريد و آنان را ياري کنيد...  
ابن عباس گفته است: وقتی بيماري پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم شدت یافت فرزندان عبدالطلب را جمع  
کرد. امير المؤمنین صلوات الله عليه و آله و سلم آن حضرت را نشانيد و به سينه خودش تکيه داد. پیامبر صلوات الله عليه و آله و سلم ابتدا حمد  
و ثنای الهی به جا آورد، سپس فرمود: «ای بنی عبدالطلب، تقوای الهی پیشه کنید و خدا را  
بپرستید. همگی به ريسمان خدا چنگ بزنيد و متفرق نشويد و اختلاف نکنيد. اسلام بر پنج  
پایه بنا شده است: ولایت و نماز و زکات و روزه ماه رمضان و حج.

اما ولایت برای خدا و پیامبرش و برای مؤمنانی است که زکات را در حال رکوع می‌پردازند

[اشاره به خاتم بخشی علی علیه السلام - سوره مائدہ: ۵۵-۵۶] و هر کس ولایت خدا و پیامبرش و کسانی را که ایمان آوردند پذیرد (بداند) که حزب خداوند پیروز است.

سلمان عرض کرد: یا رسول الله، آیا این آیات شامل همه مؤمنان است یا مخصوص بعضی از ایشان است؟ فرمودند: مخصوص بعضی از آنان است که خداوند آنان را در بیش از یک آیه قرآن با خود و پیامبرش قرین نموده است.

سلمان پرسید: یا رسول الله، آنان کیانند؟ فرمود: «أَوَّلُهُمْ وَ أَنْفَصَلُهُمْ وَ خَيْرُهُمْ أَخِي هَذَا عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ...»؛ اول آنان و افضلشان و بهترینشان این برادرم علی بن ابی طالب است و در این حال، دست مبارک خود را بر سر امیر المؤمنین علیه السلام قرار دادند، سپس بر سر امام حسن عسکری فرمودند: بعد از او این پسرم...

پیامبر اکرم ﷺ در ادامه سخنانشان فرمودند:

يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، أَطِيعُوا عَلِيًّا وَ اتَّبِعُوهُ وَ تَوَلَّوْهُ وَ لَا تُخَالِفُوهُ وَ ابْرُءُوا مِنْ عَدُوِّهِ وَ آزِرُوهُ وَ انصُرُوهُ وَ اقْتُلُوهُ بِهِ تُرْشِدُوا وَ تَهْتَدُوا وَ تُسْعَدُوا؛ (سلیمان بن قیس هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۰۶-۹۰۷) ای فرزندان عبدالمطلب، از علی اطاعت کنید و تابع او باشید و ولایت او را پذیرید و با او مخالفت نکنید و از دشمن او بیزاری بجویید و او را کمک کنید و یاری اش دهید و به او اقتدا نمایید تا به راه درست رفته باشید و هدایت شوید و سعادتمند گردید.

همین خواسته را امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز داشتند که فرمودند:

أَنْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فِإِنْ لَبَدُوا [فَالْبَدُوا] وَ إِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فَانْصُرُوهُمْ تُنْصَرُوا وَ تُعْذَرُوا...؛ (همان، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۱۵)

به اهل بیت پیامبر تان توجه داشته باشید. اگر توقف کردن شما هم توقف کنید و اگر از شما یاری خواستند ایشان را یاری کنید تا یاری شوید و معذور باشید... در ادامه حديث فرمودند: اهل بیت، شما را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به هلاکت

دعوت نمی‌کنند. با تندری از ایشان سبقت نجوید که در این صورت بلا شما را برابر زمین می‌زند و دشمنان، شما را شماتت می‌کنند. ما اهل بیت هستیم که علم ما از علم خداست و گفتهٔ ما از دستور خداوند است. اگر تابع ما شوید با روشنگری‌های ما هدایت می‌شوید و اگر از ما رو برگردانید خداوند شما را به دست ما و یا آنچنان که بخواهد عذاب می‌کند. ما افق اسلام هستیم که افراد کندرود خود را به ما می‌رسانند و نندگان به سوی ما بازمی‌گردند.

حضرت زهراء<sup>علیها السلام</sup> پس از وفات پدر بزرگوارشان و غصب فدک و دیدن ی مهری‌ها نسبت به اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> به مسجد آمدند و با هدف بر ملا کردن چهره منافقان و درخواست کمک از انصار، در جمع اصحاب سخنان تکان‌دهنده‌ای ایراد کردند که به خطبهٔ «فديکيه» معروف است.

بخشی از سخنان آن حضرت چنین است:

ای مردم، شما دارای انجمن هستید، مجلس اجتماع دارید و فریاد دادخواهی مرا همه می‌شنوید و از حال من از هر جهت آگاهی دارید و در عین حال که دارای نیروی انسانی و امکانات جنگی هستید و دعوت من به شما می‌رسد، ولی اجابت نمی‌کنید! و ناله فریادخواهی من به گوش شما می‌آید، ولی به فریاد نمی‌رسید! با آنکه شما به شجاعت و رزی موصوف هستید و به خیر و صلاح معروف اید!

(طبری، ۱۴۱۳، ۱۲۵)

روز عاشورا نیز هنگامی که زمین نینوا از خون یاران آزادی‌خواه امام حسین<sup>علیه السلام</sup> گل رنگ گردید و عمر بن سعد هجوم سراسری به اردوگاه نور را آغازید، پیشوای بزرگ آزادی حضرت امام حسین<sup>علیه السلام</sup> نگاهی به پیکرهای در خون غلتیده یاران انداحت و محاسن سپید و مبارک خود را به دست گرفت و فرمود:

خشم خدا بر یهود آن گاه شدت یافت که برای خدای یکتا فرزند تراشیدند و بر این پندار موهم خویش پای فشردند. و خشم خدا بر مسیحیان آن گاه سخت گردید که به جای توحیدگرایی و یکتاپرستی به سه‌گانه‌پرستی گرایش یافتد. و خشم خدا بر مجوسیان آن گاه شدت گرفت که آنان به جای خدا، خورشید و

ماه را پرستیدند. و خشم خدا بر این قوم تاریک‌اندیش و خشونت طلب آن‌گاه سخت شد که با ادعای دروغین اسلام‌خواهی و در پرده مسلمانی بر ریختن خون پسر دخت سرفراز پیامبر شان همدست و همداستان شدند.

بهوش باشد! به خدا سوگند، من به ذرّه‌ای از خواسته‌های ظالمانه و زورگویانه آنان جواب مثبت نخواهم داد و در برابر ستم آنها خواهم ایستاد تا در حال دفاع از حقوق خویش به خون نشسته، به خون رنگین شدم و به دیدار خدایم نایل گردم.

آنگاه این جمله‌های تکان دهنده را فرمودند:

هَلْ مِنْ ذَبْ يَذْبُعْ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؟ هَلْ مِنْ مُوَحَّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ  
مُغِيْثٍ يَرْجُو اللَّهَ يَأْغَاثَنَا؟ هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللَّهِ فِي إِعَانَتَنَا؟ (ابن طاووس،  
۱۳۴۸، ص ۱۱۶) آیا دفاع‌کننده‌ای هست که از حرم رسول خدا علیه السلام دفاع کند؟  
آیا خداپرستی هست که در خصوص ما از خدا بترسد؟ آیا دادرسی هست که به  
امید آنچه در نزد خدادست از ما دادرسی کند؟ آیا یاوری هست که به امید آنچه  
در نزد خدادست، به ما کمک کند؟

حضرت بقیه الله قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نیز هنگام ظهور از مردم یاری خواهند طلبید. در روایت آمده است آن حضرت هنگام ظهور در بیت الحرام (مکه) از کنار کعبه به مردم ندا می‌دهند: یَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ . فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٌ وَ  
نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ علیه السلام...؛ ای مردم، ما از خدا یاری می‌طلبیم چه  
کسی از میان مردم (دعوت) ما را پاسخ می‌گوید؟ که ما خاندان پیامبر شما  
محمد هستیم...

وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ بِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا  
أَعْتَمُونَا وَ مَنْعَمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أَخْفَنَا وَ ظَلِمْنَا وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَائِنَا وَ بُغَيَّ  
عَلَيْنَا وَ دُفِعْنَا عَنْ حَقَّنَا وَ افْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا. فَاللَّهُ اللَّهُ فِينَا لَا تَحْذِلُنَا وَ انْصُرُونَا  
يَنْصُرُ كُمُ اللَّهُ تَعَالَى (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۲۸۱)

و به حق خدا و حق رسول او ﷺ و حق خودم که مرا بر شما حق خویشاوندی با رسول خداست؛ از شما می خواهم که ما را یاری نمایید و (ستم) آن کس را که به ما ستم می کند از ما باز دارید؛ چرا که ما آماج وحشت و ستم قرار گرفته ایم و از شهرها و فرزندانمان رانده شده ایم و بر ما اجحاف شده و از حقمان کنار زده شده ایم و آنان که بر باطل بوده اند به ما نسبت ناروازده اند. در حق ما پس خدا را خدا را (به یاد آرید) ما را خوار نسازید و یاری مان کنید تا خدای تعالی شما را یاری کند.

### ب - عمل به تعالیم دینی

از درخواست های دیگر پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت ﷺ از مردم عمل کردن به دین خدا و تعالیم نورانی اش بود. در این بخش، کمک مردم به اهل بیت ﷺ همان دن داری مردم است. وقتی مردم دین را بشناسند و آن را ملاک و معیار عمل خود در زندگی قرار دهند و فرهنگ و معارف اهل بیت ﷺ را زنده نگه دارند گویا زحمات اهل بیت ﷺ را قدر دانسته و آنان یاری کرده اند.

حضرت علی علیه السلام در نامه ۴۵ نهج البلاغه، به والی بصره عثمان بن حنیف نوشتند:

بدانید که هر انسانی باید رهبری داشته باشد تا از او پیروی نماید و از نور دانش او بهره بگیرد. آگاه باشید که امام شما (علی علیه السلام) از تمام دنیايش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت کرده است! آگاه باشید که شما قدرت ندارید به چنین روشی تن دهید، ولی مرا با ورع و کوشش در عبادت و پاک دامنی و درستی یاری رسانید (شریف رضی، ۱۳۶۹، نامه ۴۵).

باید توجه داشت که این حق اهل بیت ﷺ همواره بر دوش مردم قرار دارد. حضرات معصوم ﷺ اکنون هم از امت اسلامی و پیروان راستین خود درخواست یاری دارند. اکنون که دشمنان دین با شیوه های گوناگون و به شکل نوین و سازمان یافته برای نابودی دین اسلام کمر بسته اند قطعاً ندای «هل من ناصر» پیامبر و خاندان مطهرش بلند است. بر هر مرد و زن مسلمان

(از هر مذهب) در هر نقطه از جهان واجب است از حقیقت اسلام دفاع کند؛ هم در مقابل دشمنان اصلی دین که هر روز دسیسهٔ جدیدی برای نابودی دین اسلام انجام می‌دهند باید ایستاد، هم در برابر منحرفانی که به نام «اسلام»، نیاتی مرتكب می‌شوند و اسلام رحمانی را خشن و غیر انسانی جلوه می‌دهند. باید ایستاد و دین خدا را یاری کرد.

بر همین اساس، وقتی مسلمانی برای زیارت اولیای خدا به حرم مطهرشان مشرف می‌شود لازم است حق پیامبر ﷺ و خاندان مطهر ایشان را بشناسد و از سر وظیفه اعلام کند: من آمادهٔ کمک به شما هستم؛ هم متعهد می‌شوم به تمام تعالیم اسلام عمل کنم تا رضایت شما را جلب نمایم، هم برای دفاع از دین و قرآن اعلام آمادم می‌کنم.

زائر امامان معصوم علیهم السلام در واقع می‌گوید: قد علم می‌کنم و می‌گذارم دین خدا گرفتار تحریف شود. او با آگاهی کامل و با شهامت و شجاعت اعلام می‌دارد: ای اولیای خدا، برای ما ننگ است که شما را تنها و بی‌یاور بگذاریم. اگر خطاب به امام حسین علیه السلام و شهادای کربلا می‌گوییم: «یا لیتنا کنا معکم!»؛ ای کاش در کربلا با شما بودیم، این شعار نیست، بلکه سخنی برخاسته از یک عزم واقعی و ارادهٔ پولادین برای ادائی حق اهل بیت علیهم السلام است.

یکی از موضوعات مهمی که در زیارت‌نامه‌های ای بیت علیهم السلام وجود دارد همین است که غیرت و حمیت دینی را به زائر بیاموزد. کسانی که از مال و وقت و توان خود برای زیارت نه می‌کنند باید متوجه این نکته باشند که زیارت یک سفر تعهد‌آور است. زیارت یک سفر تفریحی برای خوش گذرانی نیست. زائر به محضر معصوم می‌رود تا به پیامبر و امامش دست بیعت بدهد. او می‌رود تا برای پیروی از دین اعلام آمادگی نماید.

در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَأَمْرِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ  
عَدُوٌّ كُمْ؛ (ابن طاووس، ۱۳۵۶، ص ۲۱۸ و ۲۳۰)

پس دلم تسليم شماست و در کارم پیرو نظر شمایم و یاریم برای شما مهیّاست،  
... پس هر کس با شماست با شما خواهد بود، نه با دشمنانتان.

## جع بندی و نتیجه

این مقاله حقوق اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> را از منظر زیارت‌نامه‌ها بررسی کرد و روشن ساخت که مردم موظف‌اند به‌پاس خدمات پیامبر اکرم<sup>علیه السلام</sup> و اهل بیت گرامی ایشان<sup>علیهم السلام</sup>، با معرفت نسبت به مقام و جایگاه اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> در نزد پروردگار، با تمام وجود، خاندان مطهر پیامبر<sup>علیهم السلام</sup> را دوست داشته باشند و از عملکرد دشمنان آنان بیزاری جویند. زیارت معصومان<sup>علیهم السلام</sup> در صورتی پذیرفته خواهد شد و زائر را به اهداف معنوی خواهد رساند که زائر، شان و منزلت خاندان پیامبر<sup>علیه السلام</sup> را بشناسد، حرمت ایشان را پاس بدارد و آنان را تکریم کند. بر اساس رهنمود قرآن، مهم‌ترین شاخصه دوستی و احترام به این راهنماییان آسمانی، پیروی از فرامین سازنده اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> و یاری آنان است.

## فهرست منابع

قرآن كريم، ترجمه آيه الله مكارم شيرازى

١. ابن حيون، نعمان بن محمد (١٣٨٥ق)، دعائم الإسلام، قم، مؤسسة آل البيت طاب الله ثراه.
٢. ابن شاذان، شاذان بن جبرئيل قمي، الفضائل، ناشر، شريف رضي، قم، ١٣٦٣ش.
٣. ابن طاووس، على بن موسى (١٣٤٨)، اللهوف على قتل الطفوف، ترجمة احمد فهري زنجانى، تهران، جهان.
٤. \_\_\_\_\_، الاقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرّة في السنة، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، قم، مكتب الاعلام الاسلامى.
٥. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاييس الغه، به كوشش عبدالاسلام، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ١٤٠٤ق.
٦. ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ق)، كامل الزيارات، النجف الأشرف، المرتضوية.
٧. ابن كثیر، اسماعیل بن عمر دمشقی (١٤٠٩)، تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه.
٨. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، (١٤١٩)، المزار الكبير، تحقيق جواد قيومى اصفهانى، قم، انتشارات اسلامى.
٩. برقي، احمد بن محمد (١٤١٣ق)، المحاسن، تحقيق مهدی رجائی، قم، المجمع العالمي لأهل البيت.
١٠. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، (١٤١١ق)، المستدرک على الصحيحین، بیروت دارالکتب العلمیة.
١١. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (١٤٠٩)، وسائل الشیعه، تحقيق و تصحیح مؤسسه آل البيت طاب الله ثراه، قم،

١٢. حسن بن على، امام يازدهم عليه السلام، (١٤٠٩)، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، تحقيق و تصحیح مدرسة امام مهدی /، قم، مدرسة الإمام المهدی /.
١٣. زمخشري، محمود بن عمر، (بی تا)، الكشاف، به کوشش عبدالرازاق مهدی، بيروت، دار احياء التراث العربي.
١٤. سليم بن قيس هلالی، كتاب سليم بن قيس الهلالی، (١٤٠٥) تحقيق و تصحیح محمد انصاری زنجانی خوئینی، قم، الہادی.
١٥. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر (١٤١٤)، الدر المثور فی تفسیر المأثور، بيروت، دار الفکر.
١٦. شریف رضی، محمد بن حسین، (١٣٦٩)، نهج البلاغه، تحقيق سید کاظم محمدی و محمد دشتی، ط. الثانية، قم، الإمام على عليه السلام.
١٧. صدوق، محمد بن على، (١٤٠٨)، علل الشرائع، بيروت، دار إحياء التراث.
١٨. \_\_\_\_\_، معانی الأخبار، تحقيق على اکبر غفاری، قم، مؤسّسة النشر الإسلامي.
١٩. \_\_\_\_\_، (١٤١٣)، من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی.
٢٠. \_\_\_\_\_، (١٣٧٨)، عيون أخبار الرضا عليه السلام، تحقيق مهدی حسینی لاجوردی، طهران، جهان.
٢١. \_\_\_\_\_، (١٤٠٠)، الامالی، تقديم شیخ حسین اعلمی.
٢٢. صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤)، بصائر الدرجات، قم، مکتبة آیة الله المرعشی.
٢٣. طباطبائی، سید محمد حسین، (١٤١٧)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات اسلامی.
٢٤. طرسی، فضل بن حسن، (١٣٧٢)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
٢٥. طبری آملی، محمد بن جریر، (١٤١٣)، دلائل الإمامة، مؤسّسة البعثة، قم.
٢٦. \_\_\_\_\_، نوادر المعجزات فی مناقب الانمة الھدأة، نشر دلیل ما، قم، ١٤٢٧ق.
٢٧. \_\_\_\_\_، (١٣٨٣)، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، النجف الاشرف، المکتبة الحیدریة.
٢٨. طوسی، محمد بن حسن، (١٤١١)، تهذیب الأحكام (تحقيق و تصحیح حسن موسوی خرسان، تهران، دارالكتب الإسلامية).

٢٩. \_\_\_\_\_، (١٤١١)، *مصابح المتهجد و سلاح المتبعد*، تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی، اعداد علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
٣٠. علی بن موسی، امام هشتم، (بی تا)، *صحیفة الإمام الرضا*<sup>علیہ السلام</sup>، تحقیق و تصحیح محمد مهدی نجف، بی جا، بی نا.
٣١. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
٣٢. قمی، عباس، (١٤١٤)، *سفینة البحار و مدينة الحكم و الآثار*، قم، اسوه.
٣٣. \_\_\_\_\_، *الکنی و الالقاب*، مصحح: سیدحسن لواسانی، تهران، مکتبة الصدر، ١٣٦٨ش.
٣٤. قمی، علی بن ابراهیم (بی تا)، *تفسیر القمی*، إعداد طیب موسوی جزائری، بی جا، مطبعة النجف الأشرف.
٣٥. کلینی، محمد بن یعقوب، (١٣٨٩ق)، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ط. الثانیه، طهران، دارالکتب الإسلامية.
٣٦. کوفی، فرات بن ابراهیم، (١٤١٠)، *تفسیر فرات الكوفی*، تحقیق محمد کاظم، تهران، وزارت ارشاد.
٣٧. نعمانی، محمد بن ابراهیم، (١٣٩٧ق)، *کتاب الغيبة*، تحقیق علی اکبر غفاری، طهران، مکتبة الصدوق.